

باز روایی عشق و عهد الست | یادداشت



حج، باز روایی عشق و عهد الست

اهل معرفت بر این نظرند که خداوند سبحان هنگامی که خطاب مهربانی ز سر لطف در داد، ارواح آدمیان را از نهان گاه غیب بیرون آورد و رویت فعل عام بخشید و به نور فعل خاص آنها را پوشاند و چشمه های محبت و ارادت را برای آنان مهیا ساخت. از چشمه محبت، شراب عشق و از چشمه ارادت شراب توحید به آنان نوشاند. و از این شراب محبت سرمست عشق شدند و شادمانه به سوی معدن صفت رفتند و با بال توحید در آسمان انوار صفات برگشودند.

و چون ارواح در دنیا به کالبد تن در آویختند آن عهد به نسیان سپرده شد و آدمی در تیه غفلت و جهل متحیر و سرگشته شد. از این رو مستمر ندای هاتف در جهان طنین افکن شد که " فاذا ذکرهم با یسّام ا

و خداوند برای تدارک این تذکار و باز نمایی، مائده حج را آراست و ضیافتی بر پا کرد همه خلق را بدان فراخواند

"و آذان من اﷻ و رسوله الى الناس يوم الحج الاكبر"

از این رو حج ساحت ابلاغ پیام دوست شد و همه مشتاق استماع دوباره آن پیام دلکش و موسیقایی مینوی.

از این رو حج ساحت ذکر یاد الست گشت که خداوند سبحان در بزمی باز کام های تفتیده آدمیان را در ضیافتی خاص به طعم شراب طهور که از جرعه های همان شراب یوم الست است شیرین می سازد و لذا فرمان داد که در این تجدید عهد آن یاد یار

و چشمه ارادت به روئیت آید و مکرر شود

"واذكرواﷻ كذكر آبائكم أو اشد ذكرا"

از این رو حج ساحت باز روایی آن عهد الست است که کام و جان آدمی به شراب ارادت و محبت سیراب گشت و سرمست آن جرعه شراب ناب در آن روئیت رویایی! که جان و جهان از توحید و عشق لبریز شد.

از این رو در این بازنمایی جان تشنه آدمی پیمان خویش را که با " بلی " اعلام کرده با لبیک تجدید می کند و زیباترین سرود رهایی و مستانه توحید را در دروازه ورود به شهر توحید و شهر اﷻ و وصول به خانه خدا سر می دهد

"لبیک اللهم لبیک"

اوج این باز روایی و جرعه نوشی از ساغر ارادت در وادی یار و جبل نور و رحمت عرفه است. که ساقی بزم مهمانان حریم قدس سبحان به یمن رایحه حضور دلربایش جرأت واگویی دلتنگی ها و شکوه ها نمایند و به دیدار یار مشتاق شوند.

نشئه دیگری هم از آن بزم الست هست که چشمه محبت است که آدمی از آن جام الست مست عشق شد و

دیده اشتیاق به قطرات شراب عشق توتیا کشید و این طریقت دیگری برای ورود به ضیافت خدای سبحان گشود که از ضیافت مدینه توحید فراتر رود و در نرد عشق با صاحب خانه، جان برای باز روایی آن بزم الست فدا کنند و از خود برهند

گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا/خاک راهی کان مشرف گردد از اقدام دوست

در این نشئه از خانه گذر و به صاحب خانه رسند و ندای ارجعی را با شادمانی و آرامش ابدی بشنوند و این بزم و ضیافت به دلیل عبور از خانه و روئیت صاحب بیت نغمه هایش دل نشین تر و روح افزا تر خواهد بود و آن ضیافت حسینی عرفه است . بدین جهت است که آن جمیل مطلق اول به گردآمدگان این خان نظر کند و بعد به مائده در وادی عرفه!

شاید سرّ پیوند قلوب حاجیان در عصر عرفه به حسین بن علی در همین باشد که دو چشمه ارادت و محبت در یک جان واحد که اسم اعظم الهی و انسان کامل است اجتماع یافته و همه قلوب و اذهان که به باز نمایی عهد الست سرمست گشته و رایحه دل انگیز یار در آن وادی و عالم کبیر که همان انسان کامل و قطب اعظم است و از نور حسین بن علی است همه نفوس و وجود را سرمست عشق و اردات می کند.

لذا انسان شیدای عشق سرمدی و ازلی معشوق در اوج حج یا تمام و کمال حج که "عرفه" باشد به یمن و اشارت ولی و حبیب خدا رو به وادی عشق و ارادت کربلا کند و مترنم نغمه های آسمانی حسین بن علی علیهما السلام در دشت معرفت و شوق می شود .

"اللهم انی ارغب الیک و اشهد بالربوبیه لک "

حمید احمدی

مکه مکرمه سه شنبه ۶ ذیحجه ۱۴۴۳